

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان "صلح سویدن"
برگردان از: نادر ثانی
۳۰ اپریل ۲۰۲۲

سازمان "صلح سویدن":

عضویت در ناتو، سویدن و جهان را امن تر نمی‌کند.

۱۴ اپریل ۲۰۲۲

سازمان "صلح سویدن" مخالف عضویت سویدن در ناتو (۱) است. دلیل اصلی این امر آن است که عضویت در ناتو، سویدن یا جهان را به مکانی امن تر تبدیل نمی‌کند. سویدن به عنوان یک عضو، بخشی از دکترین هسته‌ای خواهد شد و صدای ما و اقدامات ما برای گسترش دموکراسی، پیشگیری از جنگ و استفاده از سلاح ضعیف خواهد شد. ایجاد امنیت درازمدت به کمک اتحاد نظامی و ابزار نظامی امکان پذیر نیست. از طریق اتحاد با کشورهای غیردموکراتیک، سویدن در خطر کشیده شدن به جنگ و درگیری مسلحانه قرار می‌گیرد.

ناتو یک اتحاد هسته‌ای است. تسلیحات هسته‌ای ایالات متحده آمریکا به مثابه چتری هسته‌ای است که اعضای ناتو در زیر و پناه آن قرار دارند. بنابراین، این ایالات متحده است که سیاست هسته‌ای اتحاد ناتو را دیکته می‌کند. در این اتحاد تسلیحات هسته‌ای بریتانیا پشتیبانی ثانویه را فراهم می‌نماید. تسلیحات هسته‌ای فرانسه در ساختار فرماندهی ناتو ادغام نشده‌اند، اما در صورت تمایل فرانسه می‌توانند به هنگام دفاع از آنها استفاده شود.

تسلیحات هسته‌ای بخشی اساسی در پیمان ناتو است، جایی که دفاع مبتنی بر ترکیبی از سلاح‌های هسته‌ای، سلاح‌های غیر هسته‌ای و دفاع راکتی است. ناتو تلاش می‌کند تا مشارکت تمامی اعضای این پیمان را در برنامه‌ریزی دفاع جمعی برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، حتی در زمان صلح، در قالب رده‌بندی‌های فرماندهی، کنترل و مشاوره تضمین نماید. از جمله، از طریق گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتو، جایی که اعضای آن به طور دائم در برنامه‌ریزی و تمرینات تسلیحات هسته‌ای شرکت می‌کنند، و در چهارچوب برنامه "اسنوگت" (۱) (برنامه پشتیبانی از عملیات هسته‌ای با تاکتیک‌های هوایی متعارف)، که در آن کشورهای عضو ناتو که فاقد تسلیحات اتمی هستند در حملات اتمی با استفاده از روش‌های متعارف شرکت می‌کنند. اگرچه ناتو ادعا می‌کند که تنها یک اتحاد دفاعی است، اما هیچ محدودیتی در مورد زمان یا نحوه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در آن، از جمله استفاده از سلاح‌های هسته‌ای برای اولین حمله وجود ندارد. به عبارت دیگر در این پیمان سیاست به اصطلاح عدم استفاده پیشگامانه از تسلیحات اتمی وجود ندارد.

بنابراین، در صورت استفاده از تسلیحات هسته‌ای در این اتحاد، تمامی اعضاء درگیر و همدست هستند. این بدان معناست که سربازان سوئدی، برای مثال، ممکن است مجبور شوند در یک حمله هسته‌ای شرکت کنند و در این حمله به احتمال زیاد مرتکب جنایات جنگی شوند - زیرا عواقب فاجعه‌بار سلاح‌های هسته‌ای قابل کنترل نبوده و باعث مرگ و آسیب رساندن به توده‌ها و محیط زیست می‌شود. چنین حمله‌ای بین رزمندگان و غیرنظامیان تفاوتی قائل نمی‌شود. اخیراً استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی (یعنی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای کمی کوچکتر که می‌توان در فواصل کوتاه زمانی از آنها استفاده کرد) در رسانه‌ها مورد بحث قرار گرفته است، به گونه‌ای که به نظر می‌آید که گویی این نوع سلاح‌های هسته‌ای باعث تخریب زیاد نخواهند شد. چنین فرضیه‌ای درست نیست. بسیاری از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی امروزی دارای توان تخریبی بمب هائی هستند که ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۴۵ در حمله به هیروشیما و ناگازاکی از آنها استفاده کرد، حملاتی که منجر به کشته شدن بیش از ۲۱۴ هزار نفر شد، حملاتی که هنوز تعدادی از توده‌ها در اثر تأثیرات همان بمب‌ها جان خود را از دست می‌دهند.

چتر هسته‌ای ناتو ما را از عواقب سلاح‌های هسته‌ای در امان نمی‌دارد. اگر از سلاح‌های هسته‌ای استفاده شود، پیامدهای فاجعه‌بار انسانی و زیست محیطی آنها بر ما نیز تأثیر خواهد گذاشت. هیچ کشور یا سازمانی، حتی ناتو یا اعضای آن به اندازه کافی برای مقابله با یک حمله اتمی آماده نیست. همچنین بعید است که استفاده از سلاح هسته‌ای به ضد حمله هسته‌ای منجر نشود و بنابراین چنین حمله‌ای به احتمال زیاد سرآغاز بروز جنگی هسته‌ای با عواقبی ویرانگر خواهد بود.

عضویت سوئد در پیمان ناتو همچنین به این مفهوم است که ما راه ورود سلاح‌های هسته‌ای به خاک سوئد را باز می‌کنیم. درست است که برخی از کشورهای عضو پیمان ناتو دارای سیاست‌های ملایمی هستند که بنا بر آن در زمان صلح سلاح هسته‌ای در قلمرو آنها قرار نمی‌گیرد، اما این سیاست‌ها در زمان جنگ اعمال نمی‌شود. سوئد این فرصت را داشت که ممنوعیت قرار گرفتن سلاح‌های هسته‌ای در خاک سوئد را در توافقنامه‌ای که سوئد در سال ۲۰۱۴ با ناتو امضاء کرد، منظور کند، اما ترجیح داد این کار را انجام ندهد. عضویت سوئد و فنلاند همچنین به معنای وضعیت جدیدی در سیاست امنیتی منطقه‌ای است که در آن به ویژه فنلاند مرز ناتو با روسیه را تشکیل خواهد داد و در نتیجه مکان‌هایی ستراتیژیک برای استقرار سلاح‌های هسته‌ای و پایگاه‌های نظامی خارجی خواهند بود و احتمالاً در اینصورت فشار بر این کشورها گسترده خواهد بود.

امنیت با اتحاد‌های نظامی در این و یا آن قطب و با تسلیح نظامی بیشتر ایجاد نمی‌شود. عضویت سوئد در پیمان ناتو به احتمال زیاد منجر به افزایش تنش‌ها، قطبی‌تر شدن منطقه و افزایش پذیرش تسلیحات نظامی و هسته‌ای می‌شود که خطرات جنگ و رویارویی نظامی را هم در زمان حاضر و هم در آینده افزایش خواهد داد.

ستراتیژی امنیتی ناتو مبتنی بر بازدارندگی با استفاده از شیوه ترساندن از درگیری نظامی است و این به معنای آن است که با آماده بودن برای جنگ و خشونت بتوان مخالفان را با هدف جلوگیری از حمله تهدید نمود. قدرت نظامی و تهدید به خشونت ابزار اصلی چنین اتحاد هستند. تسلیح نظامی که این طرز تفکر منجر به آن می‌شود، به نوبه خود در دام افتادن به مارپیچی از تسلیح بیشتر را دارا می‌باشد. این مکانیسم زمانی ایجاد می‌شود که هیچ دولت یا اتحادی نخواهد احساس ضعف کند و بنابراین زمانی که کشورهای همسایه/مخالفان دست به تسلیح بیشتر بزنند، چنین دولت یا اتحادی ناچار به تسلیح و تجهیز بیشتر می‌شود. آنچه که گفته می‌شود به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند، در واقع منجر به افزایش بی‌اعتمادی، تنش‌ها و از این‌رو خطر بیشتری برای وقوع جنگ و درگیری مسلحانه می‌شود.

ناتو یک ائتلاف نظامی است که در پاسخ به تهدیدی که کشورهای غربی از جانب اتحاد جماهیر شوروی احساس می‌کردند ساخته شد. با توجه به توشه‌ای که تاریخ به ما عطا کرده، نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که عضویت سویدن در پیمان ناتو می‌تواند از سوی روسیه به عنوان یک تهدید تلقی گردد. تصور کنید روسیه، بلاروس و چین در واکنش به گسترش ناتو به یک اتحاد نظامی بپیوندند. این یک پرسش فرضی است، اما باید از خود پرسیم که آیا کار کردن برای این نوع دنیای قطبی‌شده و عواقبی که می‌تواند داشته باشد برای امنیت ما مفید است یا خیر. در نظر گرفتن این که روسیه چگونه می‌تواند اقدامات سویدن را درک کند، تسلیم شدن در برابر روسیه نیست، بلکه عاملی است که بدیهتاً در هنگام تحلیل امنیتی - اگر هدف ما جلوگیری از درگیری مسلحانه و حمله مسلحانه به سویدن باشد - باید در نظر گرفته شود. اگر عضویت در ناتو واقعاً خطر تشدید و دامنه‌دارتر شدن تنش‌ها را به همراه داشته باشد - آیا عاملی که بر ضد هدف خود کار می‌کند نمی‌باشد؟

به گفته ناتو، ماده معروف ۵ این پیمان تضمین می‌کند که منابع کل اتحاد می‌تواند برای محافظت از هر عضو منفرد استفاده شود. بنابراین، به کار گرفتن ماده ۵ ممکن است خطر درگیری مسلحانه در مقیاس بزرگتری را افزایش دهد، زیرا حمله به یک کشور عضو، حمله به کل اتحاد تلقی می‌شود. در نتیجه، بسیاری از کشورها در برابر این خطر قرار می‌گیرند که به سرعت وارد درگیری مسلحانه‌ای شوند که ممکن است در ابتداء در مقیاسی کوچک آغاز شده باشد. عضویت سویدن در ناتو نیز می‌تواند به تبدیل شدن ما به یک هدف منجر گردد.

ناتو یک باشگاه دموکراسی نیست. ماده ۵ همچنین به این معنی است که اگر سویدن به عضویت آن درآید، باید بجنگد یا در اقدامات نظامی دیگر کشورها مشارکت کند، به عنوان نمونه بر اساس آنچه ترکیه به عنوان حمله‌ای مسلحانه به آنها تعبیر می‌کند. ناتو اغلب خود را به عنوان اتحادی از دموکراسی‌ها و مدافعی از ارزش‌های دموکراتیک توصیف می‌کند، اما این حقیقتی بزرگ شده است. چندین عضو ناتو مانند ترکیه، پولند و هنگری دارای کمبودهای اساسی دموکراتیک هستند. اوربان در هنگری و اردوغان در ترکیه حتی قبل از حمله روسیه به اوکراین روابط نزدیکی با پوتین داشتند. در دوران وجود این پیمان، کشورهایمانند پرتغال و یونان نیز با مشکلات بسیاری در مورد وضعیت دموکراسی در این کشورها روبه‌رو بوده‌اند. علاوه بر این، ناتو به ایجاد دموکراسی خارج از اتحاد کمکی نمی‌کند. ناتو هیچ ابزاری برای دموکراتیک کردن روسیه و در نتیجه جلوگیری از درگیری و جنگ ندارد. ناتو پیمانی برای پیشگیری از درگیری نبوده و هدف آن حل هیچ مشکل اساسی نمی‌باشد.

از آنجائی که ایالات متحده آمریکا بزرگترین و قدرتمندترین عضو پیمان ناتو است، این ایالات متحده آمریکا است که شرایط ائتلاف و توسعه آینده آن را به دیگر اعضای آن دیکته می‌کند و نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که ایالات متحده آمریکا سابقه‌ای طولانی در حمله نظامی به چندین کشور دارد و این واقعیتی است که در صورت فعال شدن ماده ۵، سویدن نیز باید به عنوان یکی از اعضای ناتو در چنین حمله‌ای شرکت کند. برای بسیاری حمایت نظامی از سوی ایالات متحده آمریکا دلیلی برای ارائه درخواست عضویت است. اما نقش ایالات متحده آمریکا در ناتو بسیار وابسته به سیاست داخلی ایالات متحده است. رؤسای جمهور گوناگون این کشور و اکثریت کنگره در طول تاریخ بین کنشگری و انزوگرایی در نوسان بوده‌اند. بنابراین حمایت قابل توجه ایالات متحده آمریکا از ناتو و کشورهای عضو آن در هر برهه زمانی را نمی‌توان بدیهی تلقی کرد.

پانوشته‌های برگرداننده این نوشته:

۱) "سازمان پیمان آتلانتیک شمالی North Atlantic Treaty Organisation" (ناتو) اتحادی نظامی متشکل از ۳۰ کشور عضو در امریکای شمالی و اروپا است. ناتو پس از جنگ جهانی دوم برای حفظ ضمانت امنیت نظامی در این کشورها تشکیل شد. در ابتداء در سال ۱۹۴۹ پیمان آتلانتیک شمالی امضاء شد که با نام‌های پیمان آتلانتیک و پیمان واشنگتن نیز شناخته می‌شود. سپس در سال ۱۹۵۱ سازمان ناتو تشکیل شد. بالاترین نهاد تصمیم‌گیری ناتو شورای آتلانتیک شمالی است که از نمایندگان تمام کشورهای عضو پیمان ناتو تشکیل شده است. مقر ناتو در بروکسل قرار دارد.

۲) SNOWCAT (Support of Nuclear Operations With Conventional Air Tactics)

۳) به موجب ماده ۵ اساسنامه پیمان ناتو حمله مسلحانه به یک یا چند کشور عضو ناتو باید به عنوان حمله به تمام کشورهای ناتو تلقی شود. در چنین هنگامی وظیفه هر کشور عضو آن است که از اعضای که مورد حمله قرار گرفته‌اند دفاع کند. پس از حملات تروریستی به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در ایالات متحده آمریکا در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، ناتو تصمیم گرفت این حملات را نه تنها علیه ایالات متحده، بلکه علیه تمام کشورهای ناتو ببیند و درست از این رو حمله وسیع نظامی به افغانستان نه در لوای نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا، که در زیر پرچم ناتو صورت گرفت.